065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 2

سطراندازی و صفحه‌آرایی*

[فرانسوا دِروش]
مترجم: سید محمدحسین مرعشی

چکیده: این مقاله به‌بررسی روش‌های سطراندازی، مسطر و چگونگی صفحه‌آرایی در نسخه‌های اسلامی ـ عربی می‌پردازد. منظور از نقش‌مسطر سطر یا سطرهای رسم شده بر روی بوم کار (کاغذ یا ورق پوستی) به‌صورتی است که امکان منظم و مستقیم نوشتن را برای کاتب فراهم می‌آورد و در رسم آرایه‌ها و نقش‌کوبی بر روی جلد نیز کاربرد داشته است.

نقش‌مسطر نشان‌دهندهٔ اندیشهٔ صفحه‌آرایی کاتب است و برای پژوهندگان نسخه‌های خطی محسوس‌ترین نشانهٔ نظم بخشیدن به‌فضای صفحه است. تعداد سطرها و فاصلهٔ سطر یا واحد سطراندازی و ارتباط میان پهنا و ارتفاع سطح نوشته تصادفی نیست و بررسی دقیق همهٔ این عناصر امکان فهم بهتر ذهنیت زیبایی‌شناختی کاتب را فراهم می‌آورد.

کاتبان برای سطراندازی به‌گونه‌ای که علائم قابل رؤیت بر روی بوم کار باقی بماند از مداد و مرکب و برای سطراندازی‌های برجسته از قلم نوک آهنی، ناخن، مسطر یا روش تاکردن ورق استفاده می‌کردند. مسطرها به‌عنوان رایج‌ترین وسیله برای ایجاد اثر خطوط راهنما دارای طرح‌های گوناگون و گاه پیچیده بودند.

کاتبان مسلمان از نخستین سدهٔ هجری از نقش‌مسطر بهره برده‌اند و احتمالاً از آغاز سدهٔ دوم هجری شیوه‌های پیچیده‌تر نقش مسطر را فراگرفتند و خیلی زود در صفحه‌آرایی‌های پیشرفته تبحر یافتند.

در بررسی صفحه‌آرایی‌ها علاوه بر نوشته، حاشیه‌ها و آرایه‌ها و روابط اجزای مختلف را با یکدیگر باید در نظر گرفت. نمونه‌های بررسی شده نشان‌دهندهٔ اهمیت ساختار هندسی در صفحه‌آرایی است. کاتبان به تناسب و توازن توجه داشته‌اند. میان اندازهٔ سطح نوشته و اندازهٔ صفحه نسبت‌های هندسی وجود داشته است و کاتبان حرفه‌ای این نسبت‌ها را به خوبی ارزیابی می‌کردند و از ابزارهای عملی و نظری لازم برای فضاسازی اندازهٔ نوشته استفاده می‌نمودند.

آرایش سطرها، مانند استفاده از سطرهای ممتد یا نگارش اشعار در دو ستون یا بیشتر و سطرهای مورّب، تغییر قلم و سبک خط، تعداد سطرها و حاشیه‌ها و استفاده از مسطرهای ویژه از جمله رهیافت‌های صفحه‌آرایی است که در این مقاله مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: آرایش سطرها؛ تعداد سطرها؛ سطراندازی؛ سطح نوشته؛ صفحه‌آرایی؛ قلم نوک آهنی؛ مسطر؛ نقش مسطر؛ واحد سطراندازی.

* ✓ مشخصات اصلی مقاله چنین است:
[François Déroche], "Réglure et mise en page", *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe*(Paris: BNF, 2000), pp. 169–195.

نسخه‌برداری از متون پاسخگوی توقعات مختلفی است: طلبه‌ای که رسالهٔ مورد نیاز خود را رونویسی می‌کند و کاتبی که امیرزاده‌ای به او سفارش مجموعه‌ای شعر داده است کار خود را در شرایطی یکسان انجام نمی‌دهند. معرفی پایانی نسخه اغلب، نشانی از این شرایط، به‌ویژه در مورد تناسب و هماهنگی خط به کار برده شده داراست. در واقع، در کار آماده‌سازی، و به خصوص در تعیین محل سطراندازی، تفاوت‌هایی وجود دارد که نسخه‌ای دقیق و منظم را از یادداشت‌های درسی متمایز می‌کنند. همهٔ نسخه‌ها سطراندازی نشده‌اند: اگر پس از مشاهدهٔ دقیق یک نسخه بتوان نتیجه گرفت که برای مستقیم‌نویسی تدارکی دیده نشده است بهتر است بررسی کرد که آیا کاتب امکان دیگری (مانند ته خط‌های افقی کاغذ) برای مستقیم‌نویسی دراختیار داشته است یا برعکس بدون توجه کافی به تناسب و هماهنگی خط کار کرده است. گاه از سطراندازی انجام گرفته استفاده نشده است: در پاره‌نسخهٔ پاریس، BNF, arabe 383a، ورق پوستی با قلم نوک آهنی سطراندازی شده، اما از آن استفاده نشده است؛ و کاتب دیگری بوم کار را دوباره بریده و قرآن را بدون توجه به خط راهنما[1] نگاشته است.

گذشته از آن که سطراندازی برای راست و مستقیم نوشتن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقیاسی نیز برای اندازه‌گیری حجم متن است. ابن ندیم در بخشی از فهرست خود که به شاعران اختصاص دارد، معیاری را برای[2] سنجش آثاری که به معرفی آنها می‌پردازد به خوانندگان

[1] به هریک از سطرهای افقی که برای مستقیم نوشتن به کار می رود «خط راهنما» گفته می‌شود. نک:
D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 107.

[2] Ibn al-Nadîm, *K. al-Fihrist*, éd. G. Flügel (Leipzig, 1871), p. 159; نیز درتصحیح رضا تجدد (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۱۸۱. ←

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 6/1/2005 2:16 PM Page 3

عرضه می‌کند:

اگر گفتیم شعر فلان شاعر ده ورق است مراد ما ورق سلیمانی است که دارای بیست سطر، به این معنا که یک صفحه گنجایش بیست سطر را داشته‌باشد.

امکان دارد معیاری نسبی برای طرح‌های سطراندازی (نک: صفحات بعد)، در سدهٔ چهارم هجری وجود داشته است.

سطراندازی، در وهلهٔ نخست، نشان‌دهندهٔ اندیشه صفحه‌آرایی از جانب کاتب است. در نسخه‌های اسلامی صفحه‌آرایی خیلی زود به کار گرفته شد. زیرا در برخی نُسَخِ قرآن به خط اصطلاحاً حجازی که تاریخ آنها اواخر سدهٔ اول یا اوایل سدهٔ دوم هجری تعیین شده است هنوز آثار قلم نوک‌آهنی ناشی از سطراندازی بر روی آنها باقی‌مانده است[۳]: این صفحه‌آرایی نسبتاً ابتدایی است، زیرا تعداد سطرها به‌طور آشکاری از یک صفحه به صفحه دیگر تغییر می‌کند. اما کاتبان مسلمان، خیلی زود، احتمالاً از آغاز سدهٔ دوم هجری، در استفاده از شیوه‌های پیچیده‌تر سطراندازی که کاتبان دیگر سنت‌های نسخه‌نگاری خاورمیانه در آن مهارت داشتند تبحر یافتند و خیلی زود در صفحه‌آرایی‌های پیشرفته آزموده شدند. در پاره‌نسخه‌ای از قرآن، صنعا، دارالمخطوطات Inv. Nr.3 17_15، کاتب به شیوه‌ای نوشته‌ها را شکل داده است که بتواند در کل صفحه، نقش‌مایه‌های هندسی به وجود آید.[۴] در نمونهٔ دیگر، پاره‌نسخهٔ استانبول، TIEM SE. 362، کاتب ترکیب سطراندازی را با دقت رسم کرده است (نک. صفحات بعد)؛ سپس با مرکبی به رنگ دیگر، متناسب با متنی خوش‌طرح، نقش‌مایه‌های خانه شطرنجی یا لوزی ساخته است که به دلیل رنگشان نسبت به زمینه، برجسته‌تر نشان می‌دهند.[۵]

بنابراین تصمیم به صفحه‌آرایی ممکن است ناشی از شاخص‌هایی باشد که سطراندازی ایجاد می‌کند و یا حاصل وضعیت غیرمعمول متن باشد؛ هرچند تشخیص اصول راهنمای کاتب در آرایش [صفحات]، اغلب دشوار می‌نماید. دستورالعمل‌هایی که هنروران به منظور استفادهٔ کاتبان تألیف می‌کردند، اطلاعات مفیدی دربارهٔ اندازه‌ها و نسبت‌هایی که در قدیم رواج داشته است در اختیار ما قرار می‌دهد: همان‌طور که در صفحات بعد خواهیم دید، امروزه تنها با یک متن از این گونه آشنایی داریم ــ که آن هم بسیار مبهم است... دستاورد دیگر مشاهدهٔ نسخه‌های خطی و مبادرت به بازیابی قواعد به کار رفته در آنها به روش قیاسی است.

سطراندازی

مفاهیم

برای پژوهندگان نسخه‌های خطی، محسوس‌ترین نشانهٔ نظم بخشیدن به فضای صفحه، بی‌هیچ تردیدی سطراندازی است؛ منظور از این اصطلاح، سطر یا سطرهای رسم شده بر روی بوم کار به شیوه‌ای است که امکان نوشتن منظم و تا حد ممکن مستقیم را برای کاتب فراهم می‌آورد. سطراندازی تنها برای استنساخ به کار نمی‌رفته است در نسخه‌های خطی، تذهیب‌کاران نیز برای دقت در رسم آرایه‌ها از آن استفاده می‌کردند، و جلدسازان اغلب پیش از نقش‌کوبی آرایه‌ها بر روی دفه‌ها خطوطی روی چرم رسم می‌کردند.

مساحت نوشته و ابعاد آن

هرچند سطراندازی با «مساحت نوشته»، یعنی «محدوده‌ای که نوشته در آن قرار می‌گیرد»[۶]، ارتباط دارد، نسخه‌هایی که‌سطراندازی نشده‌اند تمایز این دو اصطلاح را از یکدیگر ایجاب می‌کنند. علاوه بر این، در نسخه‌های به خط عربی، مساحت نوشته را نباید با «چارچوب سطراندازی» اشتباه‌کرد.

trad. dans B. Dodge, *The Fihrist of al-Nadim. A tenth century survey of Islamic culture* (New York /Londres, 1970), p. 351. →

۳ برای نمونه نگاه‌کنید به پاره قرآن‌های پاریس،

BNF arabe 328 a et e, E. Tisserant, *Specimina*, pl. 41 b; G. Bergsträsser et O. Pretzl, *Die Geschichte des Korantexts* [GdQ, 3], fig. 8; N. Abbott, *The rise of the North Arabic script*, p. 24; F. Déroche, *Cat*. I/1, p. 61. no. 7.

4 H. C. von Bothmer, "Ein seltenes Beispiel für die ornementale Verwendung der Schrift in frühen Koranhandschriften: Die Fragmentgruppe Inv. Nr. 17-15.3 im "Haus der Handschriften" in Sanaa", dans *Ars et Ecclesia, Festschrift für Franz J. Ronig zum 60. Geburtstag*, pp. 45-67.

5 F. Déroche , "Coran , couleur et calligraphie", *I primi sessanta anni di scuola, Studi dedicati dagli amici a S. Noja Noseda nello 65° compleanno, 7 luglio 1997*, Lesa (sous presse).

6 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 105.

کلمهٔ «مساحت نوشته» چندین معنا دارد: در صنعت چاپ به معنای «اختصاص دادن طول لازم به سطرها است؛ طول یک سطر چاپی با تعداد حروف چاپی تعیین می‌شود.»

P. Robert , *Dictionnaire alphabétique et analogique de la langue fransçaise, éd*. 1981.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/30/2005 10:04 AM Page 4

چارچوب سطراندازی «مجموعه‌ای است متشکل از چهار خط که محدودهٔ دور نوشته را از چهار جهت کاغذ تعیین می‌کند و یک چهار ضلعی تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را به ستون‌هایی تقسیم کرد[۷]». در سطوح افقی، تعیین اندازه، در صورتی که متن داخل حاشیه نشده باشد، چندان دشوار نیست؛ نسخه‌ها به استثنای عمدتاً متون منظوم و برخی نسخه‌های عربی مسیحی[۸]، به صورت «سطرهای ممتد» نوشته می‌شوند. در سطوح عمودی، برعکس، در صورتی که سطراندازی وجود داشته باشد، کار نسخه‌بردار نوشتن بر روی کرسی بالای (یا سطر اول) سطور سطراندازی شده است.[۹] بنابراین سطحی که عملاً از نوشته پوشیده می‌شود از سطح سطر اندازی شده بیشتر است؛ با توجه به این‌که در کرسی زیرین (یا سطر پایین) انتهای حروف از این سطر به طرف پایین امتداد می‌یابند از چارچوب سطراندازی نیز می‌گذرند، البته این امر در سطر اول اهمیت کمتری دارد. بنابراین توصیه می‌شود برای اندازه‌گیری سطح نوشته به روش زیر عمل شود: فاصله میان خط اول و آخر یک صفحه را در نظر می‌گیریم و این عدد را جلوی عدد طول سطر می‌گذاریم. بنابراین، برای مثال در نسخه‌ای که ارتفاع سطح نوشته در آن بیشتر از طول باشد چنین می‌آید: ۱۳/۵×۲۵ سانتی‌متر؛ برعکس، عبارت ۲۵×۱۳/۵ سانتی‌متر نشان‌دهندهٔ آن است که در نسخهٔ موردنظر، طول نوشته از ارتفاع آن بیشتر است. اندازه‌گیری ارتفاع سطح نوشته این امتیاز را دارد که مقدار نسبتاً قابل اعتمادی برای ارتفاع سطر به دست می‌دهد. ارتفاع سطر با تقسیم ارتفاع سطح نوشته (در مثال یادشده: ۲۵ سانتی‌متر) بر تعداد سطرها منهای یک به دست می‌آید. برای نمونه، فرض کنیم نسخه‌ای در هر صفحه دارای ۱۱ سطر و ارتفاع سطح نوشته ۲۵ سانتیمتر باشد، بنابراین خواهیم داشت: $\frac{۲۵}{(۱۱_۱)}$ که مساوی ۲/۵ سانتیمتر برای هر سطر است. این نتیجه برابر است با «واحد سطراندازی». برای دو مجموعه از قرآن‌های خطی قدیمی، B II و D I، که از جنبهٔ کهن خط‌شناسی همخوان هستند، محاسبهٔ این مقدار امکان روشن کردن ویژگی ابعادی هریک از آنها را فراهم می‌آورد.[۱۰]

طرح کلی سطراندازی

طرح‌های کلی سطراندازی یا به عبارت دیگر «طرحی که از سطرهای تشکیل‌دهنده سطراندازی به وجود می‌آید»[۱۱]، در قلمرو جهان اسلام به طور محسوسی با هم تفاوت دارند، به‌ویژه در دوره‌ای که ورق پوستی مورد استفاده بوده است؛ در ادامه همان‌طور که خواهیم دید، ورود ابزاری که ایجادِ سطراندازیِ نسخه‌های خطی از جنس کاغذ را به سادگی فراهم آورد سبب یکسان‌سازی نسبی انواع سطراندازی نیز گردید. سطرهای افقی که برای نوشتن بر روی کرسی خط به‌کار می‌روند «سطرهای راهنما»یی هستند که کاتبان یا بالای آنها کتابت می‌کردند یا بر روی آنها، اما این سطور همیشه رسم نمی‌شدند: در مغرب، تنها علائم مورد استفاده کاتبان اغلب دو خط عمودی بود که مساحت نوشته را در چارچوب قرار می‌داد.

نتیجهٔ عمل سطراندازی، می‌بایست در عین کارآیی داشتن برای کاتب، تا حد ممکن نامحسوس باشد. روش‌هایی که علائم قابل رؤیت بر بوم کار باقی می‌گذاردند (مانند مداد، مرکب) شناسایی شده‌اند، اما سطرهای برجسته که به سادگی قابل تشخیص نیستند کاربرد بیشتری داشته‌اند*

ت۱

---

7 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 106.

8 Par exemple le ms. Paris, BNF arabe 181, *FiMMOD*, 31.

۹ استثناهایی وجود دارد: از کرسی اعلی (یا سطر اول) استفاده نشده و به عنوان «خط بالای متن» به‌کار رفته است. در قرآن لندن N. D .Khalili coll. of Islamic art QUR 4 سطراندازی بنابر قاعده شامل سه سطر می‌شود که سطر بالا، انتهای فوقانی صعود حروف را تعیین می‌کند و نقش «خط بالای متن» را نیز دارد.

D. James, *After Timur* (Londres, 1992), p. 42, no 9; la copie est attribuée aux années 1480–1490.

در نسخه‌ای ایرانی (به تاریخ سدهٔ ششم یا هفتم هجری) از تفسیر طاهر بن محمد اسفراینی، چهار سطر به عنوان کرسی خط درشت جهت کتابت قرآن در نظر گرفته شده است: دو سطر، در بالای سطر راهنما، یکی از آنها (بلندترین آنها) ارتفاع صعودهای حروف و دیگری ارتفاع دندانه‌های حروف را نشان می‌دهد. یک سطر زیرتر نشان دهندهٔ حداکثر کشیدگی است که به سمت پایین سطر راهنما نزول می‌کنند.

The Qur'ān, *scholarship and the Islamic arts of the book. A further selection of fine manuscript material* [cat. B.Quaritch sans n°]. Londres, 1999. p. 20).

10 F. Déroche, " propos d'une série de manuscrits coraniques anciens", dans *Mss du MO*. pp. 102–103; "The Qur'ān of Amājūr ", *MME* (1990–1991), 5: 61–62, Chart I.

برخی تفاوت‌های خط‌های دوران آغازین عباسیان (برای نمونه B و D و غیره) در کتاب زیر نشان داده شده است:

F. Déroche, *Cat*. I:1 ou *Abbasid tradition.*

11 D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 105.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 5

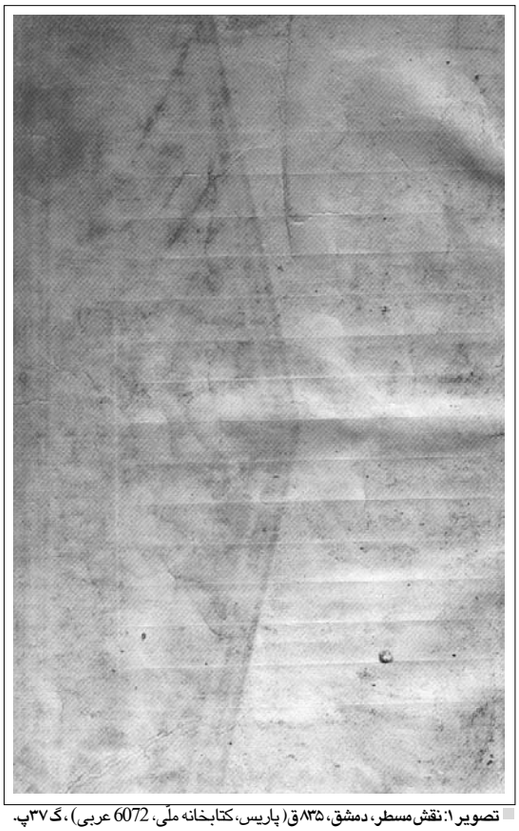

تصویر ۱: نقش مسطر، دمشق، ۸۳۵ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 6072 عربی)، گ ۳۷پ.

در این حالت، ترکیب واحدی همزمان بر هردو طرف بوم‌کار نقش می‌بست؛ اثری که به صورت فرورفته به وسیلهٔ ابزار ایجاد می‌شد «سطر فرورفته» و اثری که به صورت برجسته ایجاد می‌شد «سطر برجسته» نامیده می‌شد. سطراندازی با مرکب یا مداد نیازمند سطرکشی در دو طرف برگ است. که مزیت آن، امکان تغییر احتمالی طرح سطراندازی در پشت و روی ورق است.

بنابراین بررسی یک نسخهٔ خطی نیازمند مشاهدهٔ دقیق آثار موجود بر روی برگ‌هاست. در عمل، تماس و فشار حاصل از استفاده از نسخهٔ خطی ممکن است در کاهش برجستگی‌های سطراندازی، به‌ویژه بر روی کاغذ، تأثیر داشته باشد. مشاهدهٔ سطرهای برجسته و فرورفته باقی‌مانده گاه موارد خاصی را آشکار می‌سازد. همانطور که در سطور پیشین آمد می‌توان گمان برد که سطراندازی براساس اصولی که تابع صفحه‌آرایی است انجام می‌شود: بی‌تردید انتخاب تعداد سطرها، بلندای سطر یا ارتفاع سطر را ("واحد سطراندازی") و یا ارتباط میان پهنا و ارتفاع سطح نوشته تصادفی نیست. بنابراین باید همهٔ این عناصری که امکان درک بهتر ذهنیت زیبایی‌شناختی کاتبان را فراهم می‌آورند با دقت مورد توجه قرار داد. در عین حال باید در نظر داشت که دوربُری نسخه‌ها، ضمن صحافی‌های مختلف باعث تغییر در ابعاد ورق‌ها می‌شود. از این رو امکان برقراری نسبت میان قطع و اندازهٔ نوشته بسیار کاهش می‌یابد.

سطراندازی در نسخه‌های اسلامی ـ عربی

همان‌طور که اشاره شد، کاتبان مسلمان از نخستین سدهٔ هجری از سطراندازی استفاده می‌کرده‌اند. جای شگفتی است که اثری از سطراندازی در بیشتر نسخه‌های قرآن بر روی ورق پوستی به خط مربوط به اوایل دورهٔ عباسی مشاهده نشده است[۱۲] : اما نظم و ترتیب این نوشته‌ها این گمان را به‌وجود می‌آورد که کاتبان برای راست و مستقیم نوشتن، روشی داشته‌اند، که هیچ اثری از آن بر جای نمانده است.[۱۳] آیا ممکن است آنها پاک شده باشند؟ در مغرب اسلامی، در رساله‌ای دستورالعملی برای ساخت مرکبی ویژه سطراندازی وجود دارد که پس از اتمام کار با خمیر نان پاک می‌شده است.[۱۴] در قلمرو نسخه‌های به خط عربی، کاغذ، از زمان‌هایی قدیم، مادهٔ اصلی رایجی بوده است که قدمت آن می‌تواند توجیه کنندهٔ روش‌های موفق استفاده‌از سطور برجسته به‌ویژه در مورد استفاده‌از مسطر باشد.

---

[۱۲] در اینجا باید به دو پدیده که با وضعیت پیشین تناقض دارد اشاره کرد: ۱) نسخه‌های استنساخ شده بر روی ورق‌های پوستی رنگی (که مورد خاص آن قرآن کبود است) دارای آثاری از یک اسلوب کامل سطراندازی است؛ ۲) تذهیب‌کاران اغلب اثر سطراندازی مقدماتی آرایه‌ها را بر روی نسخه‌هایی که اصلاً مسطر نخورده است برجای می‌گذارند.

[۱۳] براساس مقالهٔ

E. Whelan "Writing the word of God: some early Qur'ān manuscripts and their milieux, Part I", *Ars Orientalis* (1990), 20: 115.

وجود سطراندازی برای آرایه‌ها و نیز مختصر بی‌نظمی‌های کرسی حروف ممکن است دلیل آن باشد که سطراندازی اصولاً وجود نداشته است بلکه کاتب بیشتر به چشم خود اعتماد می‌کرده است. این امر به نظر ما منتفی نیست که گفته شده است سطر یا خط رسم شده بر روی ورق پوستی (یا کاغذ) تنها یک راهنماست که مانع لغزیدن کم و زیاد دست نسبت به آن می‌شود. وانگهی به نظر ما شباهت میان روش‌های تذهیب‌کار و کاتب به‌گونه‌ای نیست که مسئله را حل و فصل کند.

[14] M. Dukan, *La réglure des manuscrits hébreux au Moyen Âge*(Paris, 1988), pp. 15–16; la source est A. Piémontois, *De secretis libri septem*, 1. V(Lyon, 1558) , p. 316.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 6

سطراندازی‌های برجسته

قلم نوک‌آهنی[۱۵] یا ناخن[۱۶]، ــ با استفاده یا بدون استفاده از خط‌کش ــ در سطراندازی به‌کار گرفته می‌شدند و برای بوم‌هایی متفاوت مانند کاغذ و ورق پوستی قابل استفاده بودند. در حیطه دانسته‌های کنونی ما، نشانه‌ای وجود ندارد که کاتبان مسلمان برای سطراندازیِ همزمانِ چندین برگِ روی هم قرار داده شده از قلم نوک‌آهنی استفاده کرده باشند، بدین صورت که در برگ نخستین، اثر سطراندازی بسیار واضح باشد و در آخرین برگ، آن چندان نمایان نباشد. از طرفی، ابزارهای مورد استفاده برای سطراندازی برجسته، امکان ایجاد طرح‌های متنوع بسیار، و آرایه‌های دایره‌ای‌شکل فراهم آوردند. از این رهگذر، کاتبان از آزادی عمل بسیار برخوردار شدند. گونه‌شناسی طرح‌های سطراندازی بی‌تردید نتایج جالب توجهی ارائه خواهد داد؛ اما پژوهش در این زمینه در حوزهٔ نسخه‌های به خط عربی هنوز در آغاز راه است. روش دیگری نیز وجود دارد که ردّی برجسته بر جای می‌گذارد و بسیار ابتدایی است. این روش عبارت است از تاکردن ورق از راه عمودی بر روی حاشیهٔ بیرونی کاغذ. سطرهای حاصل از قلم نوک‌آهنی بر روی ورق پوستی اغلب همراه با «اثر سوزن» است که برای تعیین محل سطراندازی به کار می‌رود.[۱۷] از آنجا که مکان آنها بر لبهٔ حاشیه بیرونی صفحه است اغلب آنها هنگام دوربُری در صحافی از میان می‌روند.

مِسطَر

ابزار دیگری که برای ایجاد اثر برجسته در نسخه‌های از جنس کاغذ کاربرد بسیار داشته است، مسطر[۱۸] نام دارد. مسطر از یک ورقه مقوا ــ و شاید چوب ــ ساخته می‌شده که بر روی آن نخ‌هایی با ضخامت متغیرهای مختلف کشیده می‌شده است؛ این نخ‌ها محدودهٔ اندازهٔ نوشته و سطرهای راهنما را ایجاد می‌کردند. کاتب مسطر را زیر ورق کاغذی که قصد استفاده از آن را داشته قرار می‌داده و انگشت شست خود را در امتداد نخ‌ها بر روی کاغذ می‌کشیده و احتمالاً برای کثیف نشدن کاغذ انگشت خود را با پارچه می‌پوشانده است ــ بدین طریق، سطرهایی با اندکی برجستگی حاصل می‌آمده است.* برخی کاتبان مرتباً مسطر را پشت هریک از اوراق جزو قرار می‌دادند، در حالی که گروهی دیگر، بدون شک، دوورقی‌ها را به طور متوالی خط‌کشی می‌کردند: با ملاحظهٔ دقیق حالت سطرهای فرورفته و سطرهای برجسته در جزوهای مختلف می‌توان به این تفاوت‌ها پی برد. مسطر برای استفاده به راحتی قابل تغییر است: کاربر می‌تواند طرح‌های بسیار پیچیدهٔ سطراندازی را در نظر بگیرد و به‌راحتی و سرعت، ده دوازده جزو را صفحه‌بندی کند و در صورت مقتضی، مثلاً با قلم نوک‌آهنی خط‌هایی اضافی به آن بیفزاید. (دربارهٔ سطراندازی مختلط در صفحات بعد خواهیم نوشت.) عمدهٔ سطراندازی در کتاب تخمیس بُرده اثر بوصیری از کتابخانه پاریس، BNF arabe 6072 با مسطر انجام گرفته است. پس از آن، کاتب برای تعیین حدود حاشیه‌ها با قلم نوک‌آهنی دو خط عمودی رسم کرده است.[۱۹] در نسخهٔ بروکسل، BR 19991 ، روش مشابهی به کار برده شده است، در این نسخه، مکان عناصر آرایشی با قلم نوک‌آهنی معین شده است.[۲۰] برخی از نسخه‌های خطی دیوان‌های شعر که پائولا اورساتی (Paola Orsatti) بررسی کرده دارای دو، چهار و حتی شش ستون برای متون منظوم است که با دو ستون کوچکتر و یا سطرهای حاشیه که به صورت چلیپایی قرار گرفته‌اندمحصور شده‌اند.[۲۱] نسخه‌ای از خمسه نظامی،

---

[۱۵] برای قلم نوک‌آهنی از فلزات مختلفی استفاده می‌شده است: برخی از آن‌ها که انعطاف بیشتری دارند (مانند سرب، نقره و غیره) اثری که روی بوم کار به جا می‌گذارند در معرض هوا کم رنگ می‌شود.

16 F. Rosenthal, *The technique and approach of Muslim scholarship*, p. 11.

[۱۷] اثر سوزن در نسخه‌های استنساخ شده بر روی کاغذ دیده می‌شوند: در دو قرآن، برلین Museum für islamische Kunst Inv. Nr. I. 42/68،

Museum für islamische kunst Berlin, Katalog 1979, 2e éd (Berlin–Dahlem, 1979), pp. 9–11. no. 1 et pl. 1.

و نسخهٔ پاریس، BNF arabe 418 به نظر می‌رسداثرهای سوزن به رسم آرایه‌ها مربوط باشند.نک: F. Déroche, *Cat*. I/2, p. 128–129, no. 535 et pl. I

[۱۸] تصویری از یک مسطر قدیمی از سدهٔ یازدهم یا دوازدهم هجری درنمایشگاه نیویورک ۱۹۹۴، ص ۱۲۷، تصویر ۸۸ آمده است.

New York, Metropolitan Museum of Art, Islamic art, acc. no. 1973.1.

نمونه‌ای از مسطر عثمانی در کتاب زیر دیده می‌شود:

U. Derman, " Hat ", dans *Sabanci koleksiyonu* (Istanbul, 1995), p. 23, A.

19 *FiMMOD*, 3.

20 *FiMMOD*, 195.

21 P. Orsatti, "Épigraphes poétiques de manuscrits persans", dans *Mss du MO*, pp. 73–75.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 7

نسخهٔ ژنو، Bibliotheca Bodmeriana 523 به تاریخ ۸۸۹ ق، نیز دارای سه ستون است.[۲۲] در مورد آثاری که دارای نظم و نثر هستند مانند نگارستان مُعینی، نسخهٔ رم، Accademia dei Lincei, Caetani 62، طرح سطراندازی که به‌کمک مسطر ایجادشده دارای دو ستون و یک جفت حاشیه است که کاتب تنها برای استنساخ شعر از آنها استفاده کرده است.[۲۳]

دیگر شیوه‌های سطراندازی

روش‌های سطراندازی به موارد یادشده محدود نمی‌شوند؛ در این روش‌ها، همان‌طور که گفته آمد، از مرکب یا مداد نیز استفاده شده است. روی و پشت ورق‌های پاره‌قرآن پاریس، BNF arabe 328c (پایان سدهٔ اول هجری) با مرکب سطرکشی شده است. سطرهای راهنما و خط عمودی حاشیهٔ بیرونی نیز با مرکب رسم شده‌اند.[۲۴] این روش مختص دوران قدیم نیست: کاتب قرآن سودانی (پاریس، BNF arabe 5388) نیز از این روش در سدهٔ سیزدهم هجری استفاده کرده است.[۲۵] ته‌خط‌های افقی که گاه بر روی کاغذهای [متأخر] تولید شده در جهان شرق بسیار واضح است نیز کاتب را هنگام نوشتن سطرهای افقی یاری می‌کرد. در اینجا دیگر شیوهٔ سطراندازی مطرح نیست، این شیوه به احتمال بسیار قوی محدود به نسخه‌های [متون] آموزشی می‌شود.

توصیف انواع سطراندازی: برخی نشانه‌ها

همهٔ سطراندازی‌ها یکسان نیست. به جز تفاوت‌هایی که روش‌های مختلف با یکدیگر دارند وضعیت ورق‌ها نیز برای سطراندازی تفاوت دارد: در برخی نسخه‌ها، همهٔ ورق‌ها به صورت متوالی سطراندازی می‌شدند، در حالی که در دیگر نسخه‌ها هر دوورقی، در حالت باز، به‌طور جداگانه سطراندازی می‌شد. در حالت نخست، نتیجهٔ فرایند ایجاد سطر بر روی همهٔ ورق‌ها ــ به صورت فرورفته و برجسته ــ هم بر روی ورق، هم در پشت آن ــ به یک صورت انجام پذیرفته است: نسخهٔ پاریس، BNF arabe 5976 نمونه‌ای از این گونه سطراندازی است.[۲۶] در حالت دوم، مِسطَرزن، سطرهای یک روی ورق را بر هر دو نیمهٔ یک دو ورقی اعمال می‌کرد؛ در استفاده از قلم نوک‌آهنی این امکان وجود داشت که در دو ورقی‌ها، سطرهای راهنما را بدون گسستگی، به صورت یکسره از یک نیمه تا نیمهٔ دیگر دوورقی رسم کنند، مانند پاره‌قرآن (ورق پوستی) استانبول، TIEM SE 362 و یا در قرآن (کاغذی)[۲۷] لندن، ن. د. خلیلی coll. of Islamic art Qur 89 et 89 A مشاهده می‌شود. در مقابل، در کاربرد مسطر، اجباراً هریک از دو نیمه به طور جداگانه آماده می‌شد. سپس هر جزو شکل می‌گرفت و تا می‌خورد، در این جزوها آثار سطراندازی بر روی هر دوورقی باز در نیمهٔ اول، برعکس نیمهٔ دوم آن است: بدین صورت که در نسخهٔ استراسبورگ BNU 4252 سطرهای برجسته در پشت ورق‌های ۱ تا ۵ و پس از آن بر روی ورق‌های ۶ تا ۱۰ دیده می‌شود.[۲۸]

برای توصیف شیوه‌های سطراندازی[۲۹] به صورت برجسته، نشانه‌گذاری زیر ممکن است با نسخه‌های به خط عربی، که جهت خواندن آنها از راست به چپ است متناسب باشد: نشانهٔ < نشان‌دهندهٔ سطر فرورفته بر روی ورق موردنظر و نشانه > برای سطر برجسته در پشت ورق است، در نتیجه، ترتیب معمول ورق‌ها پشت سر هم خواهد بود و مجموع آنها از چپ به راست خوانده می‌شود: در یک ردیف: <<<<<I>>>>>، یعنی سطرهای فرورفته در سراسر جزو، پشت ورق قرار گرفته‌اند. برای توصیف یک پنج‌برگی که سطرهای فرورفته آن، در نیم‌جزو اول، روی ورق قرار دارند و در نیم‌جزو (I) دوم در پشت ورق، چنین می‌نویسیم: >>>>>I<<<<< (ورق‌های ۱ــ۵ در سمت راستِ نشانهٔ وسط جزو و ورق‌های ۱۰ــ۶ در سمت چپ آن قرار دارند).

---

22 *FiMMOD*, 178.

23 P. Orsatti, *op. cit.*, p. 73.

24 F. Déroche, *Cat.* I:1, pp. 60–61, no. 4.

25 F. Déroche, *Cat.* I:2, p. 51, fig. 341.

26 *FiMMOD*, 172.

27 F. Déroche, *Abbasid tradition*, p. 160.

28 *FiMMOD*, 196.

۲۹ یا «شیوهٔ سطراندازی»: فرایند مکرر ایجاد طرح سطراندازی بر روی همهٔ ورق‌های یک جزو است، این اثر ممکن است بر روی هر ورق یا هر دو ورقی ایجاد شود.»

D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 104

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 6/1/2005 11:47 AM Page 8

صفحه‌آرایی

قسمت‌های مختلفی که روی صفحه مرتب می‌شوند به شرح زیر است: عمدتاً نوشته مطرح است، اما حاشیه‌ها و آرایه‌ها و نیز روابط میان این اجزای مختلف را هم باید در نظر گرفت. بررسی سطراندازی امکان پی بردن به طرح و نقشهٔ کاتب (یا تذهیب‌کار) را فراهم می‌آورد، اما توجه بیشتر به بررسی تمام صفحه و صفحات مزدوج که هنگام باز بودن نسخه در معرض دید قرار می‌گیرد دارای اهمیت است، زیرا به نظر می‌رسد به‌طور خاصی مورد توجه نسخه‌پردازان قرار داشته است. از سوی دیگر، احتمال تغییر در توازن تمام صفحه را پس از برش حاشیه‌ها [هنگام صحافی] نباید از نظر دور داشت: در این صورت، پژوهش در صفحه‌آرایی بسیار پیچیده می‌شود.

قطع نسخه‌ها نیز مطرح است. تحقیقات اندکی در این مورد صورت گرفته است: برای دوره‌های متأخر که مستندتر هستند، نتایج چشمگیری به دست آمده است. از این قرار، تحلیلی از مجلدات ساخته شده در نگارخانه‌های قصر توپقاپی حدود سال‌های ۱۵۲۰ و ۱۶۳۰م، وجود سه قطع[30] (۱۶×۲۵/۵ سانتی‌متر؛ ۲۵×۳۵ سانتی‌متر؛ ۳۱×۴۴/۵ سانتی‌متر) را نشان می‌دهد. عبارتی از ابن ندیم که در ابتدای این فصل آمد نشان می‌دهد که در سدهٔ چهارم هجری مفهوم قطع کتاب به تمام و کمال وجود داشته است.

ملاحظات کلّی

رهیافت‌های صفحه‌آرایی

منابع مکتوب

برای تعمق در این موضوع ظریف، نسخه‌شناس می‌تواند اطلاعاتی در منابع اسلامی ــ عربی بیابد. امروزه، با وجود وفور متون مربوط به خوش‌نویسی و، در حد کمتری، دربارهٔ نقاشی، تنها یک متن شناسایی شده که کلیاتی را در این زمینه شامل می‌شود. این متن دستورالعمل صفحه‌آرایی اثر قَلَلَوْسی، ادیب اندلسی نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم هجری است؛ این دستورالعمل را ایوت سووان (Yvette Sauvan) شناسایی و ترجمه کرده است[31]: «کاغذ از طرف ارتفاع تا می‌شود؛ این تا برای تنظیم حاشیهٔ پایین به‌کار می‌رود: بدین صورت که حدود حاشیه با خطی که دو نقطهٔ سوراخ شده به وسیلهٔ پرگار را در انتهای دو طرف برگ به هم وصل می‌کند تعیین می‌شود. در ارتفاع، حاشیهٔ بالایی موازی با حاشیهٔ پایینی است. خط «شیحه» اندازهٔ نوشته را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند: با ترسیم سه نیم‌دایره نقطه‌ای متقارن با نقطهٔ وسط اولین سطر رسم شده در ارتفاع به دست می‌آوریم. از این دو نقطه که به فاصلهٔ مساوی روی نیم‌دایره قرار گرفته است، دو کمان را رسم می‌کنیم که در یک نقطه با هم تلاقی می‌کنند. یک خط مستقیم میان این دو نقطه رسم می‌کنیم. این خط شیحه نام دارد. شیحه اندازهٔ نوشته را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند. سطراندازی‌ها از ابتدای اثرِ سوزن‌های کناری، از یک نیمه به نیمه بعد انجام می‌شوند». ظاهراً استنساخ متن کامل نیست و یک قسمت از توصیف فرایند کار، بدون شک یا افتاده و یا در آن تصرف شده است. این دستورالعمل با وجود ناقص بودن احتمالی، سندی است که نشان می‌دهد در میان کاتبان برای تعیین سطح نوشته در یک صفحه به کمک ابزارهای متداول نشانه‌هایی دقیق وجود داشته است. امیدواریم که متن‌های دیگر این اطلاعات را کامل کنند.

بررسی نسخه‌ها

بررسی نسخه‌های خطی شیوه‌ای را نشان می‌دهد که براساس آن، تذهیب یا کتابت یک نسخه خطی نفیس، فضایی را پر می‌کرده است که تناسب کلی و تقسیمات اجزای آن براساس یک الگوی دقیق شکل می‌گرفته است. این روش که دقت خاصی را می‌طلبد در نسخه خطی پاریس، BNF supplément persan 226، به‌کار گرفته شده و شهریار عدل این مقیاس را که عبارت از نقطه‌های متعدد است، و همان‌طور که می‌دانیم پایه و اساس ساختار خوشنویسی است، شناسایی کرده است. وی در مورد صفحات متن نشان می‌دهد که چگونه نظام اندازه‌گیری یادشده با «اجزای رسم شده» منطبق است[32]، با آن که خط، متکی بر تعداد نقاط رسم شده با قلم بر روی

30 Z. Tanindi, "Manuscript production in the Ottoman Palace workshop", *MME* (1990–1991), 5: 70 et fig. 23.

31 Ms. Paris, BNF arabe 6844, f. 120; voir Y. Sauvan, "Un traité à l'usage des scribes à l'époque nasride", dans *Mss du Mo*, pp. 49–50. Voir également I. Chabbouh, "Two new sources on the art of mixing ink", dans *Codicology*, pp. 69–76.

32 Ch. Adle, "Recherche sur le module et le tracé correcteur dans la miniature orientale I", *Le monde iranien et l'islam* (1975), 3: 96.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 9

کاغذ و جابه‌جایی عمودی آن به اندازهٔ پهنای نوک قلم است. این پژوهش همچنین شاخصی را به‌دست می‌دهد که به نوعی، می‌تواند به عنوان وجه مشترک میان اجزای مختلف کتاب به‌کار رود.

نسبت‌های قابل توجه

نمونه‌های یادشده در بالا، نشان‌دهندهٔ اهمیت ساختار هندسی در صفحه‌آرایی است. با بررسی نسخه‌های خطی درمی‌یابیم که صنعتگران نسخه‌پرداز از ابزارهای مبنا برای ایجاد تصویرها سود می‌جسته‌اند: سطراندازی آرایهٔ پاره‌قرآن استانبول TIME, SE 7، برگ دوم (سدهٔ ۳ ق/۹م) تا اندازه‌ای به کمک پرگار انجام گرفته است. خطکش که در زمرهٔ وسایل لازم برای خوشنویسی بوده است فقط برای رسم سطرهای راهنما به کار نمی‌رفته است، در قرآن‌های مغربی، برای اتصال حروف «حا» و «میم» در کلمه «رحمن» در بسم‌اللّه الرحمن الرحیم مورد استفاده قرار می‌گرفته است.[۳۳]

ذوق جامعهٔ فرهنگی قرون وسطایی نسبت به معما، آن طور که والری پالوسین (Valery Polosin) بیان کرده است، هنرمندان را به ایجاد تذهیب‌هایی که نسبت‌های آنها از فرمول‌های جالب توجهی برخوردار بود برمی‌انگیخت.[۳۴] به یقین کاتبان نیز به تناسب و توازن توجه بسیار داشته‌اند: با این که ابعاد ورق تا حدودی مشروط به شاخص‌های خارجی بود، صفحه‌آرایی، بیشتر به سلیقهٔ کاتب بستگی داشت. اگر کاتب حرفه‌ای بود بی‌شک می‌توانست ویژگی کمابیش بهتر نسبت‌ها را ارزیابی کند، اما مطمئناً از ابزار ضروری ــ از لحاظ عملی یا نظری ــ برای فضاسازی مساحت نوشته استفاده می‌کرده است.

امروزه پژوهش در مورد تناسب این فضا در نسخه‌های اسلامی امکان پیشرفت اساسی [در شناخت هرچه بیشتر از آن] را فراهم نمی‌آورد؛ به غیر از مشاهدات شهریار عدل که در سطرهای پیشین از آن یاد شد، بررسی مجموعه‌ای از قرآن‌های خطی سدهٔ سوم هجری، وجود نسبت ۰/۶۶ (به صورت دیگر ۲/۳) را میان اندازهٔ سطح نوشته و اندازهٔ صفحه ثابت کرده است.[۳۵]

دو تصویر مستطیل شکل توجه را جلب می‌کنند: مستطیل نسبتِ طلایی و مستطیل فیثاغورس. برای ساختن مستطیل نسبت طلایی ابتدا پاره‌خط AB را انتخاب می‌کنیم، روی خط عمود AX پاره‌خط AM را انتخاب می‌کنیم به طوری که AM= AB/2 باشد. یکی از دو سر پرگار را روی نقطه M و سر دیگر آن را روی نقطه B قرار می‌دهیم و روی پاره‌خط AX یک کمان (MC) رسم می‌کنیم به طوری که MC=MB باشد. آنگاه [نقطهٔ] D را روی نیم‌خط By، موازی با AX طوری انتخاب می‌کنیم که BD = AC باشد. در مستطیلABCD، نسبت عرض به طول (L/l)، ۰/۶۱۸ است (در مقابل L/l=۱/۶۱۸). در مستطیل فیثاغورس نسبت اضلاع به یکدیگر (L/l) ۳/۴ یا ۰/۷۵ است (در مقابل L/l= ۱/۳۳۳).

براساس قطرها نیز می‌توان یک شکل هندسی جالب به دست آورد، شکل نخستین ، یک مربع با ضلع A است: مربع را تبدیل به مستطیلی می‌کنیم که طول آن برابر با قطر مربع باشد. در عین حال، اندازهٔ عرض آن a باشد، به همین شکل باز هم مستطیل‌هایی می‌سازیم که طول آنها برابر با قطر مستطیل قبلی آن باشد. طول مستطیل اول برابر با حاصل ضرب مقدار a در $\sqrt{2}$ (یا $\sqrt{2}$ a) و طول مستطیل دوم برابر با $a\sqrt{3}$ و طول مستطیل سوم برابر با $a\sqrt{4}$ است و همین‌طور الی آخر. همان‌طور که خواهیم دید نسبت میان a و $\sqrt{2}$ a نسبتی است که در قطع‌های A3 و A4 کاغذهایی که امروزه مورد استفاده قرار می‌دهیم وجود دارد: طول صفحه برابر است با قطر مربعی که ضلع‌های آن برابر با عرض صفحه است.

در عمل، پژوهشگر از سویی باید برخی تقریب‌ها را در مورد صفحه‌آرایی کاتبان قرون وسطایی و در عین حال دگرگونی‌های مربوط به بوم نوشتار، مانند جمع‌شدگی ورق پوستی را نیز در نظر داشته باشد، متخصصان نسخه‌های خطی لاتین توصیه می‌کنند از ۲ درصد اختلاف فاصله در نسبت‌های با دقت محاسبه شده چشم‌پوشی شود. مانند حاشیهٔ منطبق با مستطیل نسبت طلایی که مقدار دقیق آن ۱/۶۱۸ است باید بین ۱/۵۸۶ و ۱/۶۵۰ محاسبه شود.[۳۶]

33 Par exemple dans le ms. Paris, BNF arabe 386 (F. Déroche, *cat*. I:2, p. 33, no. 299).

34 V. Polosin, "To the method of describing illuminated Arabic manuscripts", *Manuscripta orientalia* (1995),1/2: p. 19; "All is numbers"? An unknown numerical component in the design of medieval Arabic manuscripts", *Manuscripta orentalia* (1999), 5/1, pp. 7–11.

35 F. Déroche, *op. cit*. (*Mss du MO*), p. 103.
J. Lemaire, *Introduction*, pp. 138–139.

۳۶ این مقادیر با همان اندازه‌هایی که در این جدول ذکر شده‌اند در کتاب مقابل نیز آمده‌اند:

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 10

شکل‌های استثنایی	مقادیر نهایی	بَهْر نسبت
مربع	۰/۹۸_۱/۰۲	۱
دو مستطیل نسبت طلایی مجاور از جانب طول	۱/۲۱۱_۱/۲۶۰	۱/۲۳۶
مستطیل فیثاغورس	۱/۳۰۷_۱/۳۵۹	۱/۳۳۳
مستطیل فیثاغورس و مستطیل نسبت طلایی مجاوراز جانب طول	۱/۳۴۱ _۱/۳۹۵	۱/۳۶۸
مستطیل با نسبت $a\times a\sqrt{2}$	۱/۳۸۶_۱/۴۴۲	۱/۴۱۴
مستطیل مزدوج فیثاغورس	۱/۴۷۰_۱/۵۳۵	۱/۵
مستطیل نسبت طلایی	۱/۵۸۶_۱/۶۵۰	۱/۶۱۸
مستطیل با نسبت $a\times a\sqrt{3}$	۱/۶۹۸_۱/۷۶۶	۱/۷۳۲
مربع مزدوج	۱/۹۶۰_۲/۰۴۰	۲

جدول ۱

این میدان تحقیق باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد: گذشته از آن که نسبت‌های دیگری ممکن است به‌کار گرفته شده باشند، جدول بالا نشان می‌دهد که همپوشی‌هایی وجود دارد که امکان دارد نسخه‌شناس را دچار سردرگمی سازد. در عمل، هنگام بررسی یک نسخه خطی، به راحتی می‌توان بررسی کرد که آیا این دستاورد را باید در مورد تقسیم طول شکل مورد نظر به عرض آن نیز به کار برد: در این صورت، نسبت طول به عرض به دست آمده ما را به نسبت‌هایی که در جدول بالا نشان داده شده وجود دارد، با خطای مجاز ۲٪، که پیش از این به آن اشاره شد، نزدیک می‌سازد.

کاربرد واحد اندازه‌گیری

در مغرب اسلامی، کاتبان قرون وسطا با نسبت‌هایی که بدانها پرداختیم آشنا بوده‌اند و سطوحی را به‌کمک ابزارهایی از قبیل پرگار و خطکش ایجاد می‌کردند. گاه نیز برای طرح سطراندازی خود از واحدهای اندازه‌گیری بومی استفاده می‌کردند. پژوهشگر می‌تواند روی تنها یکی از خط‌های معین‌کنندهٔ سطح صفحه، یا بر روی دو خط، مقادیری را بیابد که با یکی از واحدهای اندازه‌گیری مورد استفاده در دوره یا منطقه‌ای خاص مطابق است.

این جهت‌گیری پژوهشی، در حال حاضر، در بررسی نسخه‌های به خط عربی مطرح نشده است، به غیر از مقالهٔ والری پالوسین که در حقیقت تذهیب را مورد بررسی قرار داده است.[۳۷] بنابراین نسخه‌شناس باید به دقت متوجهٔ این احتمال باشد، و همان‌طور که ژاک لومر (Jacques Lemaire) تأکید دارد، هنگام استفاده از این دستاورد بسیار مراقب باشد.[۳۸]

آراستن سطرها

قدیمی‌ترین نسخه‌های به خط عربی، قرآن‌های به خط حجازی که تاریخ آنها را نیمه دوم سدهٔ اول تا آغاز سدهٔ دوم هجری تعیین کرده‌اند* ، نشان می‌دهند که نخستین کاتبان سطرهای ممتد را برمی‌گزیدند: مانند نسخه‌های پاریس، BNF arabe 328 a [۳۹] یا لندن BLor. 2165 [۴۰] این شیوه در مورد نسخه‌های غیر قرآنی نیز، مانند نسخه‌های تاریخدار سدهٔ سوم هجری، دیده می‌شود.[۴۱] در ادامه، سنت نسخه‌نویسی در نسخه‌های به خط عربی در مجموع به این الگو وفادار مانده‌اند و، بنابر قاعدهٔ کلی، از جنبه عام، سطرها در کل یک نسخه ثابت هستند. تجربه های پالوسین در مورد تراکم متن نشان می‌دهد که در نمونه‌های مورد بررسی او، تعداد حروفی که در یک خط یا در یک صفحه جای گرفته‌اند تقریباً ثابت است.[۴۲] در مورد نسبت این قاعده، تغییرات یا اختلاف‌هایی وجود دارد که باید ذکر شود.

در مورد وجود ثابت سطرهای ممتد، شعر به دلیل ساختارش و به ویژه وجود قافیه ها استثناست. این ساختار دارای آرایشی است که قسمت‌های تکرارشونده را در معرض دید قرار می‌دهد. به همین دلیل، اشعاری که در دو ستون یا بیشتر نوشته شده‌اند به فراوانی مشاهده می‌شود.* به نظر می‌رسد در حوزهٔ فرهنگ ایرانی برای تأکید بر تقسیم اجزای متن از جدول استفاده می‌شده است.[۴۳] در نسخه‌های عربی مسیحی نیز، البته به دلایل دیگر، متن گاه در ستون‌هایی نوشته می‌شد.[۴۴]

37 V. Polosin, "Frontispieces on scale canvas in Arabic manuscripts", *Manuscripta orientalia* (1996), 2/1: pp. 5–19.

38 J. Lemaire, *Ibid.*

39 Voir n. 3.

40 W. Wright, *Facsimiles of manuscripts and inscriptions*, pl. LIX; M. Lings et Y. H. Safadi, (LONDRES, 1976), p. 20.

۴۱ فهرست نسخه‌های خطی تاریخدار سدهٔ سوم هجری را گ. اندرس (G. Endress) منتشر ساخته است.

"Handschriftenkunde", *GAP* I. p. 281, et F. Déroche "Les manuscrits arabes datés du III^{e} /IX^{e} siècle", *REI*, pp. 55–57

42 V. Polosin, "Arabic manuscripts: Text density and its convertibility in copies of the same work", *Manuscripta orientalia* (1997), 3/2: pp. 3–17.

43 P. Orsatti, *loc. cit.*;

همچنین «نسخهٔ خطی و متن: عناصری جهت تعبیر «مَخلَص» در شعر غنایی فارسی»، در کتاب:

Scribes, p. 291, Voir aussi le ch. "L'ornementation du manuscrit", dans *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe.*

۴۴ نسخه‌ای از کتاب الحاوی الکبیر نمونه‌ای از آن است (نسخه پاریس، BNF arabe 181 ;*FiMMOD*, 31).

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:53 PM Page 11

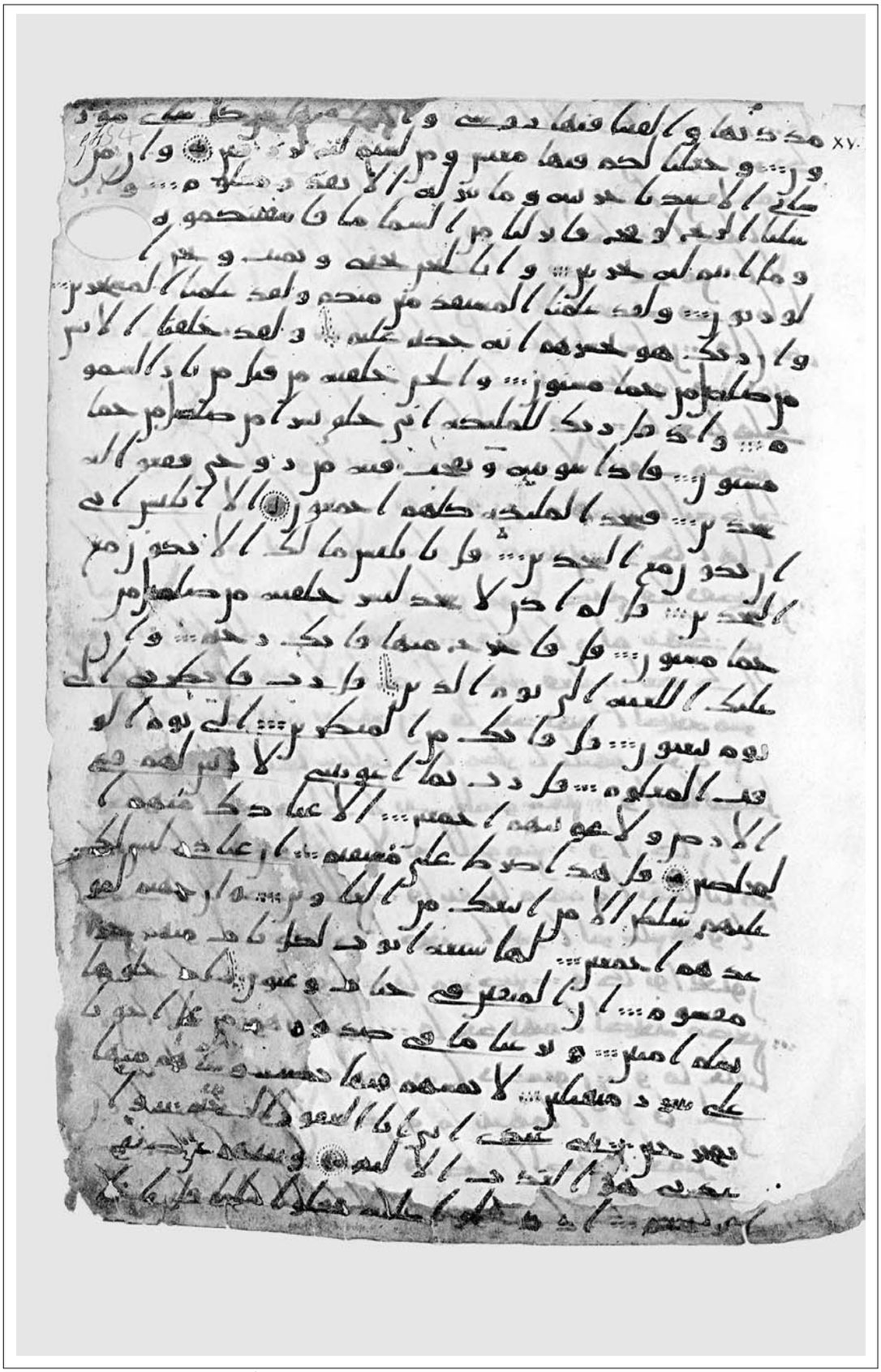

تصویر ۲: خطی به قلم حجازی، بر روی ورق پوستی، سالیابی‌شده در نیمهٔ دوم سدهٔ نخست هجری (پاریس، کتابخانه ملّی، 328 عربی)، گ ۵۴.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 6/1/2005 2:18 PM Page 12

تصویر ۳: آراستن ستون متن؛ خط نستعلیق، هرات، ۸۹۶ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 822عربی، مخزن الحاقی)، گ ۴۳۰.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 13

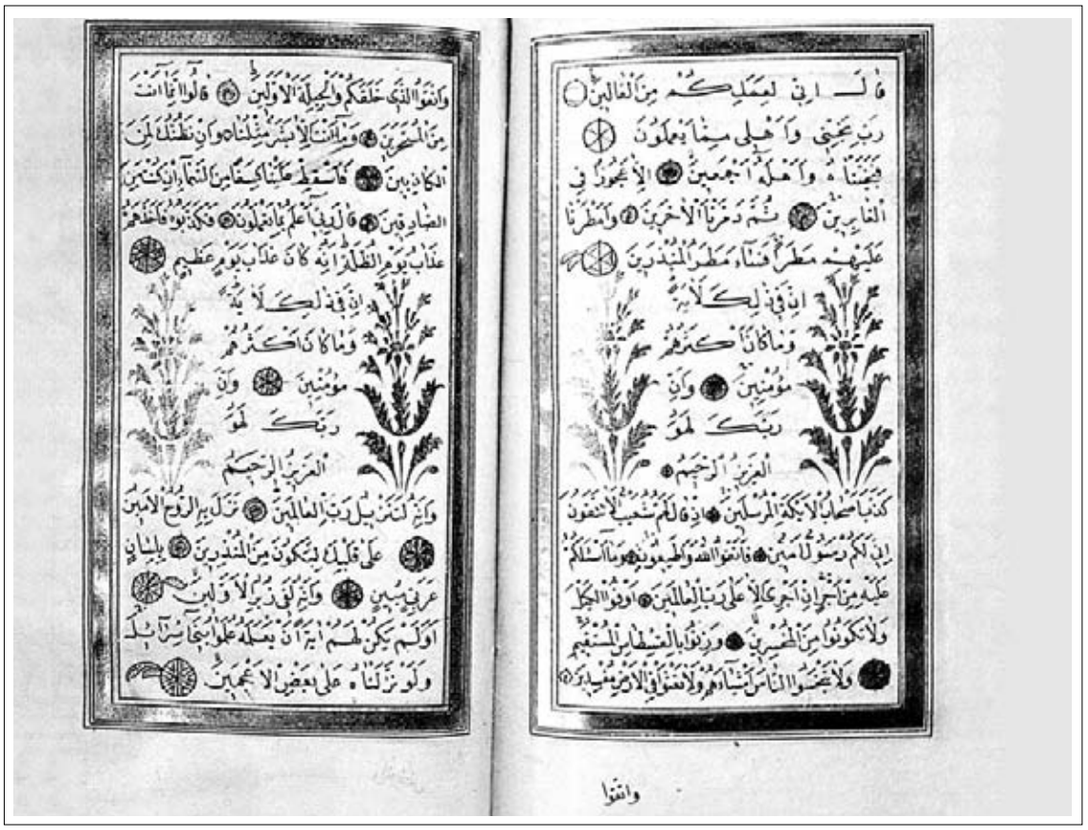

تصویر ۴: خط نسخ‌گونه؛ صفحهٔ مزدوج، کلمه‌های شنگرف نویسی‌شده به صورت «قرینه آینه‌ای» آراسته شده‌اند. ترکیه، ۱۲۷۰ق (استانبول، TIEM,469)، گ ۱۸۸ پ ــ ۱۸۹.

تصویر ۵: آراستن ستونی متن بر روی خطوط مایل؛ خط نستعلیق، هرات، ۸۸۰ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 1776 عربی، مخزن الحاقی)، گ ۲.

براساس قاعدهٔ کلی، سطرهای نوشته، عمود بر حاشیهٔ درون قرار می‌گرفتند و به عبارت دیگر، افقی هستند* موارد استثنا در درجه اول مربوط به نسخه‌های خطی منظوم هستند: جُنگ فارسی پاریس، BNF S.P. 1473 دارای سه ستون است و ستونی که مماس با حاشیهٔ بیرونی است دارای سطرهای مورّب است. کاتب غزلیات کاتبی (پاریس، BNF S.P. 1776) نیز جهت مورّب سطور را به همین صورت اما بر روی یک ستون به کار برده است، سطری نیز به‌صورت عمودی سمت چپ اندازهٔ نوشته قرار گرفته است.*[۴۵] کاتبان برای متون دیگر نیز سطرهای مورّب را برمی‌گزیده‌اند: چنانکه احادیث با ترجمه فارسی منظوم تابع شیوهٔ کتابت شعر است[۴۶]، اما در نسخه‌ای از شرح الحکم العطائیه اثر البُرنُسی (تونس، کتابخانهٔ ملی احمدیه ۳۶۱۶/۱۲۳۲۰) آرایش سطرها در همهٔ متن به صورت مورّب است.[۴۷]

ت۴ ر۲

ت۵

45 F. Richard (Paris, 1997), p. 99, no. 53 et p. 98, no. 52.

46 *Ibid.*, p. 175, no. 120 (Paris, BNF arabe 6063). Également le ms. Riyadh, Coll. Farfūr 4:15 (Riyadh, 1986), pp. 180–181, no. 114.

47 I. Chabbouh, *Le manuscrit*, no. 47.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 14

هنگامی که کاتب در نظر داشت متن دوم و حتی سومی را در حاشیه کتابت کند، مسطری بدین منظور تهیه می‌دید که تنظیم خطوط آن نشان‌دهندهٔ انطباق با دشواری‌های فضایی نسبتاً تنگ است؛ برای این متون، معمولاً سطرهای مورّب در نظر گرفته می‌شد اما این قاعده‌ای همیشگی نبود. قرآن پاریس، BNF arabe 4955، همراه تفسیری است که متن آن بر روی سطرهای مورّب که با مسطر، مطابق یک طرح که کلیت دار، رسم شده‌اند استنساخ گردیده است.[۴۸]

دگرگونی‌ها

در دورانی قدیم، در طول نیمهٔ دوم سدهٔ سوم یا آغاز سدهٔ چهارم هجری، کاتبان به دنبال راهی برای کاستن از اندازهٔ نوشته در نسخه‌های قرآن‌های با استنساخ به خط ریز بودند، E I:[۴۹] مشخصهٔ بسیاری از نسخه‌های به این سبک، وجود تنها یک سطر در صفحه، اغلب در وسط صفحه، است که عمدهٔ فضای این سطر را کشیدگی بسیار زیاد یک حرف پر می‌کند. این روش احتمالاً شیوه‌ای از گونه‌ای استنساخ است که در حدود سال‌های ۴۰۰ق برخی کاتبان نسخه‌های فقهی مسجد جامع قیروان به کار می‌بردند و ژوزف شاخت (Joseph Schacht) از آن سخن می‌گوید؛ در واقع، نسخه‌های متعدد مورد بررسی این دانشمند دارای مساحت نوشته‌ای است که هر سطر ــ یا قسمتی از یک سطر ــ به دو قسمت مساوی «بریده» شده به‌گونه‌ای که فضایی خالی مانده بی‌آنکه در متن افتادگی ایجاد شده باشد.[۵۰] روش مشق یا به عبارت دیگر امکان کشیدن خط اتصال حروف که آنها را به یکدیگر متصل می‌کند (حتّی برخی حروف تنها) این نوع ترکیب‌بندی را امکان‌پذیر می‌کند؛[۵۱] در صفحه، یک یا چند سطر (خواه کرسی وسط، خواه کرسی اول و آخر، یا ترکیبی از این دو) شامل تعداد اندکی حروف، اما دارای یک و گاه چند کشیدگی قابل توجه است.

کاتبان از امکان تغییر قلم و سبک از سطری به سطر دیگر نیز استفاده می‌کردند. در قرآن دو بلین، CBL 1438، مورّخ ۵۸۲ق[۵۲]، برای نخستین بار شاهد یک الگوی ثابت هستیم که در آن دو ردیف سطر با ابعاد کوچک قبل و بعد از سه سطر با قلم درشت آمده است. این روش متضمن رعایت هیچ سلسله مراتبی میان اجزای گوناگون نیست، برای نمونه در اختلاف نسخه‌های 3357[۵۳] یا الصادقیه[۵۴] ۲۶۳ق از کتابخانهٔ ملی تونس. این روش را نباید با برجسته‌سازی اتصالات متن ــ عناوین، سر فصل‌ها و غیره ــ اشتباه کرد.

تعداد سطرهای یک صفحه

تعداد سطرها داده‌ای بسیار متغیر است. در یک نسخهٔ خطی ممکن است در این مورد هیچ نظمی وجود نداشته باشد، حتی اگر کاتب از سطراندازی نیز استفاده کرده باشد. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های نسخه‌های سطراندازی شده پاره نسخهٔ پاریس، BNF arabe 328 a است که هر صفحه دارای ۲۲ تا ۲۶ سطر است. در سنت نسخه‌نگاری اسلامی ما شاهد این تحول هستیم که اعداد فرد بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرند. بی تردید، بیشتر اوقات، وجود کرسی وسط برای صفحه‌آرایی یک امتیاز محسوب می‌شود: کاتب پاره‌قرآن استانبول، TIEM SE 362، که پیش‌تر ذکر گردید، در ساختن صفحات الوان ناتوان بوده است. انتخاب ۱۴ سطر برای ورق ۸ پ نمونهٔ آن است. برعکس، کرسی وسط (۳ ۱۰) قرآن الجایتو (برای نمونه نسخهٔ لایپزیک، Universitatsbibliothek XXXVII K1) که با آب طلا رسم شده، محور ثابتی برای کل صفحه‌آرایی ارائه می‌کند.[۵۵]

---

48 *Cat.* I/2. pp. 141–142, no. 558; voir également RIYADH 1986, pp. 160–161. no. 94 (ms. Riyadh, King Faisal Center 2829).

۴۹ در حال حاضر، هنوز تصویری از این نوع صفحه‌آرایی که در پاره نسخه‌های مجموعهٔ «کاغذهای دمشقی» موزهٔ هنر ترک و اسلام استانبول مشاهده می‌شود انتشار نیافته است.

50 J. Schacht, "On some manuscripts in the libraries of Kairouan and Tunis", *Arabica* (1967), 14: 225.

۵۱ در این معنا، مشق یک روش است و نوعی خط نیست. این معنا در تفسیرهای اغلب انتقادی، در منابع عربی (برای نمونه در صولی، ادب الکتّاب، چاپ محمد بهجة الاثری و نظارت محمود شکری آلوسی، قاهره، ۱۹۲۲م/۱۳۴۱ق، صص ۵۵ـ۵۶)؛ مشاهده می‌شود ابن ندیم از مشق به عنوان نوعی خط یاد کرده است. نک: تصحیح تجدد، ص ۹ و نیز:
op. cit., éd. G. Flügel, p. 6; trad. dans B. Dodge, *op. cit*, p. 11.

52 D. James, *Q., and B.*, p. 35, no. 20.

53 I. Chabbouh, *op. cit.*, p. 22 et pl. en couleurs.
عبارات مذهبی و احادیث با آب طلا نوشته شده‌اند (نسخهٔ مورّخ ۶۰۱ق).

54 *Ibid.*, p. 16 et pl.;
در رونوشتی از این تفسیر، مورّخ ۵۵۰ ق، نقل آیه ۲۴ از سورهٔ ۴ با تغییر سبک خط متمایز شده است. همین روش درنسخهٔ مورّخ ۴۸۴ ق ،اثر عثمان بن حسین ورّاق (رجوع کنید: ایمن فؤاد سید، المخطوط، لوح ۷) به کار برده شده است.

55 Voir les reproductions dans D. James, *Qur'âns of the Mamlûks*(London, 1988), pp. 92–98.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 15

حاشیه‌ها

در سطور قبل، اهمیت حاشیه‌ها را به طور اجمال مشاهده کردیم. این بخش از صفحه همیشه آسیب‌پذیر است: این فرسودگی به دلیل مراجعهٔ مکرر و مرمت‌هایی است که سبب آسیب‌های محدود و حتی از بین رفتن تمام حاشیه می‌شود. در این حالت، بازآفرینی صفحه‌آرایی غیرممکن است. نمونه‌ای از این موارد، قرآن‌های لندن، BL ORr. 216S5، یا قرآن پاریس، BNF arabe 324، است که در حالت کنونی، متن عملاً به لبهٔ ورق رسیده است. دشوار بتوان گفت که کاتبان مسلمان، از ابتدا حاشیهٔ مناسبی برای متن در نظر می‌گرفته‌اند: قدیمی‌ترین پاره‌قرآن‌ها، در وضعیت کنونی‌شان، تنها پیرامون سطح نوشتار، فضای اندکی وجود دارد. البته باید احتمال برش لبه‌های نسخه را نیز در نظر داشت.

به‌هرحال، صنعتگران کتاب‌پرداز خیلی زود به امکان درج نکاتی برای را مربوط به تکمیل متن در حاشیه‌ها پی‌بردند.[۵۶] قدیمی‌ترین تذهیب‌های قرآنی گاه در حاشیهٔ اغلب حاشیهٔ بیرون و گاه نیز حاشیهٔ درون ــ که در آنجا تذهیب‌ها، بارزترند و به خوبی نشانه‌گذاری را انجام می‌دهند، مشاهده می‌شوند. پس از آن نقاشان از این فضا به صورت بسیار ماهرانه‌ای استفاده کردند. در نسخه‌های گران‌بها، حاشیه‌ها زمینهٔ دلخواه برای تذهیب‌کاران و آرایه‌سازان فراهم می‌آورد؛ فن وصّالی، به ویژه استفاده از کاغذهای زینتی بسیار مختلف را ممکن می‌ساخت.[۵۷]

با وجود این، حاشیه‌ها، تنها قلمرو تذهیب‌کاران و نقاشان نبودند: حواشی و تعلیقات و تفسیرها نیز معمولاً در حاشیه انجام می‌گرفت؛ کاتب در آغاز کار این افزوده‌ها را پیش‌بینی می‌کرد، اما آنها اغلب با سفارش یا نیاز خواننده تنظیم می‌شد. هر چند برخی مؤلفان قرون وسطایی، مانند عَلْمَوی [د.۹۸۱ق] به محدود کردن حاشیه‌نویسی‌ها سفارش می‌کردند تا صفحه از نوشته آکنده نشود[۵۸]، در برخی نسخه‌ها حاشیه‌نویسی به صورت گسترده‌ای همه فضاهای موجود را در برگرفته است.

نسخه‌ای از کتاب انوارالتنزیل و اسرارالتأویل[۵۹] (ریاض، مرکز ملک فیصل ۴۲۴۹) نمونه بارزی است که حاشیه‌های آن از نوشته پر شده است، بی آن‌که شکل خاصی از صفحه‌آرایی مَدّنظر بوده باشد. نسخه‌ای از لوایح جامی (لندن، BLAdd. 16820) با شکلی مشخص می‌شود که حواشی شرح متن، مانند خط ــ نقاشی‌های واقعی تنظیم شده است.[۶۰]

برخی صفحه‌آرایی‌ها

به دلایلی که در سطور قبل ذکر گردید، برای آشنایی اجمالی با روشی که کاتبان برای استفاده از حداکثر فضایی که در اختیار داشته‌اند فعلاً راهی جز بررسی نمونه‌های صفحه‌آرایی وجود ندارد. نسخه‌های خطی مصوّر یا نسخه‌هایی که دارای تعداد بسیاری نقاشی یا تصویر بودند مسائل خاص خود را داشتند که از موضوعات مورد نظر ما در اینجا دور است. نمونه‌ها عمدتاً از نسخه‌های دقیق و منظم برگرفته شده‌اند، اما الگوهایی که در این نسخه‌ها وجود دارد در نسخه‌های با ساختار ساده‌تر نیز مشاهده می‌شود.

در سطرهای پیشین، از برخی صفحه‌آرایی‌های خاص یادشده است: «نقاشی ــ خط»های قدیمی نشان‌دهنده آن است که تفکر دربارهٔ زیبایی‌شناسی صفحه بسیار زود آغاز شد. پاره نسخهٔ استانبول، TIEM SE 362، شاهدی است بر این مدعا که کاتب در هر بار نقش مسطر تنها یک صفحه را در نظر می‌گرفته است.[۶۱] اندکی بعد به صفحهٔ مزدوج پرداخته می‌شود، مانند تلاش‌های ضعیفی که در سدهٔ سوم برای تراز بندی کتابت انتهای قرآن انجام گرفته است. پاره نسخه‌ای از این دوره (استانبول TIEM SE 2002, گ ۴ پ تا ۷ پ) گواهی است بر کوشش بسیار کاتب، جهت به قرینه درآوردن عناوین سوره‌ها در چهار صفحهٔ مزدوج که نتیجهٔ این کوشش را به کمال رسانده است.[۶۲] این امر با پی‌گیری بسیار مورد بررسی قرار گرفت و جالب‌ترین نمود آن را می‌توان در قرآن‌های عثمانی یا تحت تأثیر عثمانی مشاهده کرد.

---

[۵۶] از وضعیت قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی، از قرآن، نمی‌توان دریافت که آیا دارای حاشیه به معنی واقعی کلمه بوده‌اند. به عنوان نمونه نک:
W, Wright, *Facsimiles of manuscripts and inscriptions*, pl. LIX; F. Déroche et S. Noja Noseda, *Le manuscrit arabe 328 (a) de la Bibliothèque nationale de France*.

57 Voir aussi le ch. "Les supports : le papier ", dans *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe*, Paris: BNF, 2000.

58 Cité par F. Rosenthal, *op. cit.*, p. 18.

59 RIYADH 1986, pp. 82–83, no. 18.
آ. گاچک (A. Gacek) صفحه‌ای از نسخه‌ای از خلاصة الحساب اثر عاملی را که حاشیه‌های آن آکنده از تعلیقات و اصلاحات است منتشر کرده است.
(ms. Montréal, McGill BWL 230, de 1226/1811; A. Gacek, *McGill*, p. 92, no. 100/3 et fig. 29).

60 M. I. Waley, "Illumination and its functions in Islamic manuscripts", dans *Scribes*, p. 104 et fig. 8.
این سبک صفحه‌آرایی به نظر می‌رسد بعداً در کتابهای چاپ سنگی در میان عموم از پسندی نسبی برخوردار گردید.

61 F. Déroche, *op. cit.* (*I primi sessanta anni di scuola*…).

62 F. Déroche, *op. cit.* (*Mss du MO*), pp. 110–111.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 6/1/2005 2:19 PM Page 16

کاتبان نسخه‌های خطی استانبول، TIEM 469، لندن، N. D. Khalili coll. of Islamic art QUR 33 [۶۳] و تونس، BN 14246 موفق شده‌اند کلمه(ها)ی واحدی را، به شنگرف، بر روی یک خط واحد در صفحهٔ سمت راست و قرینهٔ همان خط در صفحه سمت چپ به گونه‌ای نشان دهند که نسبت به محوری که از وسط کتاب می‌گذرد در یک فاصله قرار گیرند* متن یادشده آیه‌هایی از سورهٔ شوری است که به صورت قرینه کتابت شده‌اند.[۶۴] ت۲

این نمونه نشان دهندهٔ نقش صفحه‌آرایی در اقداماتی است که کاتبان مسلمان برای انسجام بخشیدن به ساخت نسخه‌های خطی انجام می‌داده‌اند. برداشت‌هایی که در بالا به آن پرداختیم مبتنی بر بخش‌هایی از متن قرآن در واحدهای هم‌اندازه است: کاتبان عثمانی به‌خوبی از عهده این کار برآمده‌اند و از تقسیم‌بندی کلاسیک به جزء و حزب به تعیین صفحات ۱۵ سطری، برای قطعی که اغلب در حدود ۱۲×۱۸ سانتی متر است رسیده‌اند؛ به غیر از صفحات آغازین و پایانی، آرایه‌ها در باقی صفحات یکی است و نسبتاً مطابق معیار (جدول، نشانه‌های جداسازی آیه‌ها و غیره). متون دیگری که از آنها بسیار نسخه‌برداری می‌شده است صفحه‌آرایی مشابهی داشته‌اند. هنگامی که نسخه‌های مشابه را بررسی می‌کنیم این نکته را باید کاملاً در نظر داشت که الگو به شدت به کاتب تحمیل می‌شود. ر. زلهایم (R. Sellheim) تعداد شش نسخه از کتاب النقایة مختصر کتاب وقایة الروایة فی مسائل الهدایة اثر صدرالشریعه الثانی را که در سدهٔ سیزدهم هجری نسخه‌برداری شده‌اند بررسی کرده است و شباهت‌های بسیار میان آنها یافته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که احتمال دارد به قلم کاتبان متعددی، در یک مدرسه یا خانقاه در آسیای میانه (بخارا یا سمرقند؟) استنساخ شده باشند.[۶۵]

حواشی مساحت نوشته، به استثنای برخی قرآن‌های قدیمی[۶۶] یا قرآن‌هایی که منشأ مغربی دارند[۶۷] مستطیل شکل است و در میان آنها شکل نزدیک به مربع نیز می‌توان یافت. آیا به خاطر پرهیز از صفحه‌آرایی بسیار تکراری بود که کاتبان به تناوب سبک‌ها و قلم گرایش پیدا کردند؟ از آغاز سدهٔ هشتم هجری، به‌ویژه در قلمرو جهان ایرانی، قرآن‌های بسیاری وجود دارد که دارای سه سطر درشت‌نویس‌اند که معمولاً هر یک از آنها داخل یک باریکه [جدول] نوشته می‌شود که در بالا، وسط و پایین صفحه قرار می‌گیرد؛ در وسط دو باریکهٔ اول و دوم و نیز دوم و سوم دو سطر با خط ریز قرار دارد که معمولاً با مرکب سیاه نوشته می‌شود، در حالی که نوشته‌های دیگر، اغلب با مرکب رنگی ــ آبی یا طلایی ــ کتابت می‌شوند.

محل قرار گرفتن متن در قرآن‌های هشت ضلعی قطع کوچک استثناست: به دلیل شکل خاص آن، مساحت نوشته گاه دایره‌ای و گاه هشت ضلعی است.[۶۸]

انجامه‌ها گاه به شیوه‌ای خاص نگاشته شده‌اند.* به‌ویژه، اغلب، در یک فضای سه گوش در پایان نسخه مشاهده می‌شوند.* نسخهٔ لندن، BL Add 5965، به تاریخ ۶۲۶ق (گ ۸۸ پ) نمونه‌ای قدیمی از این مورد است. اما انجامه نسخه‌ای از کتاب اللمع فی النحو اثر ابن‌جنی (برلین، SB, Or. Oct. 3538، گ ۷۰ به تاریخ ۴۸۸ق) ممکن است شاهدی برای گذر از مرحلهٔ پیشین به سوی این شکل سه‌گوش باشد؛ به نظر می‌رسد که این هردو، سرچشمه‌ای ایرانی داشته‌باشند . از این پس، انجامه‌ها [ی کاتبان] شکل‌های متنوع‌تری می‌یابند ــ دایره‌ای نسخهٔ لندن، ن. د. خلیلی Islamic art QUR 27coll. of به تاریخ ۱۲۱۳ق)[۶۹]، بیضی بادامی کنگره دار (مجموعهٔ تبریز، ش ۵۱، به تاریخ ۱۲۲۷ق)[۷۰] و موارد دیگر. ت۶_۱۰ ت۸

63 M. Bayani, A. Contadini et T. Stanley, *The decorated word, Qur'ans of the 17th to 19th centuries* [The N. D. Khalili collection of Islamic art, 4], (Londres, Azimuth editions, 1999), p. 121, no. 40.

64 F. Déroche, "The Ottoman roots of a Tunisian calligrapher´s *tour de force*", dans *Interactions in art* (sous presse).

65 R. Sellheim, *Materialen*, pp. 125–127. (mss or. oct. 470, 1762, 1770, 1771, 1773 et 3531)

نسخه‌های بررسی شده، در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شوند. مساحت آنها در نوشته‌هایی که با یک روش نوشته شده‌اند مابین ۱۳×۲۳ و ۱۵/۵×۲۶ سانتی متر است و هر صفحه دارای ۷ سطر است (به غیر از or. oct.1762 که دارای ۹ سطر است).

۶۶ به‌ویژه وضعیت پاره نسخه‌های قرآن به سبک [نسخه] B Ib (برای نمونه، قرآن پاریس، BNF arabe 327 که اندازهٔ سطح نوشتهٔ آن، همان‌طور که در بالا به شرح آن پرداختیم ۲۲/۵×۲۲ سانتیمتر است؛ نک: F. Déroche, *Cat*. I/1: 68, no. 19 et pl. IV, A .

۶۷ قطع خشتی قرآن‌های مغربی استنساخ شده بر روی ورق‌پوستی، کاملاً رایج است و نیازی به پرداختن به آن در اینجا نیست.

۶۸ این دو آرایش در فهرست فروش ساتبی (Sotheby)، در کنار هم آمده اند (فروش ۱۶ اکتبر ۱۹۹۶، بخش ۲۵ و ۲۶).

69 J. M. Rogers, GENÈVE 1995, p. 70, no. 31.

۷۰ محمد علی کریم‌زاده تبریزی، اجازتنامه ــ اذن‌نامه (لندن، ۱۹۹۹)، صص ۱۲۵ ــ ۱۲۶.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 17

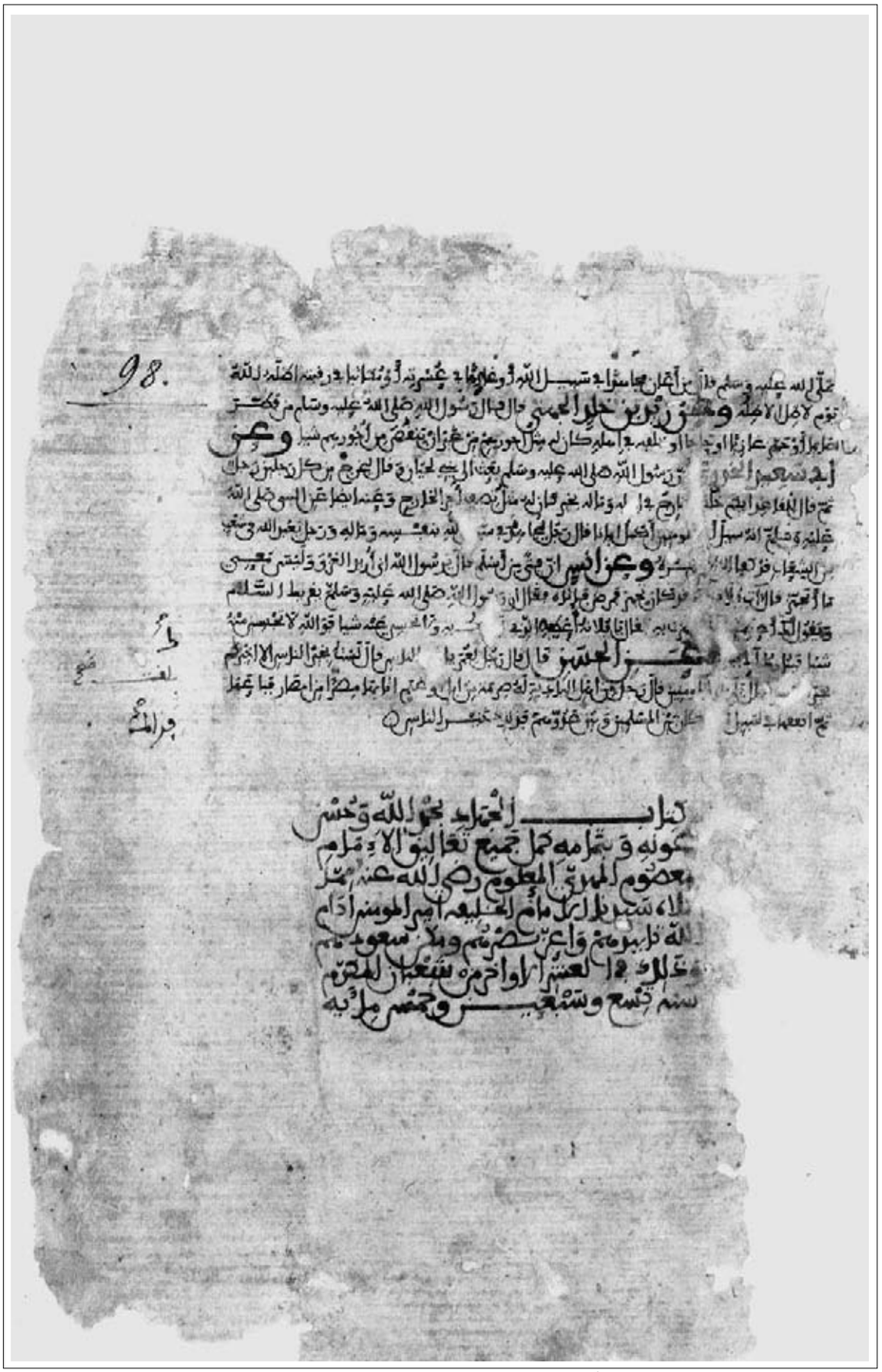

تصویر ۶: انجامهٔ مغربی، ۵۷۹ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 1451 عربی)، گ ۹۸.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 18

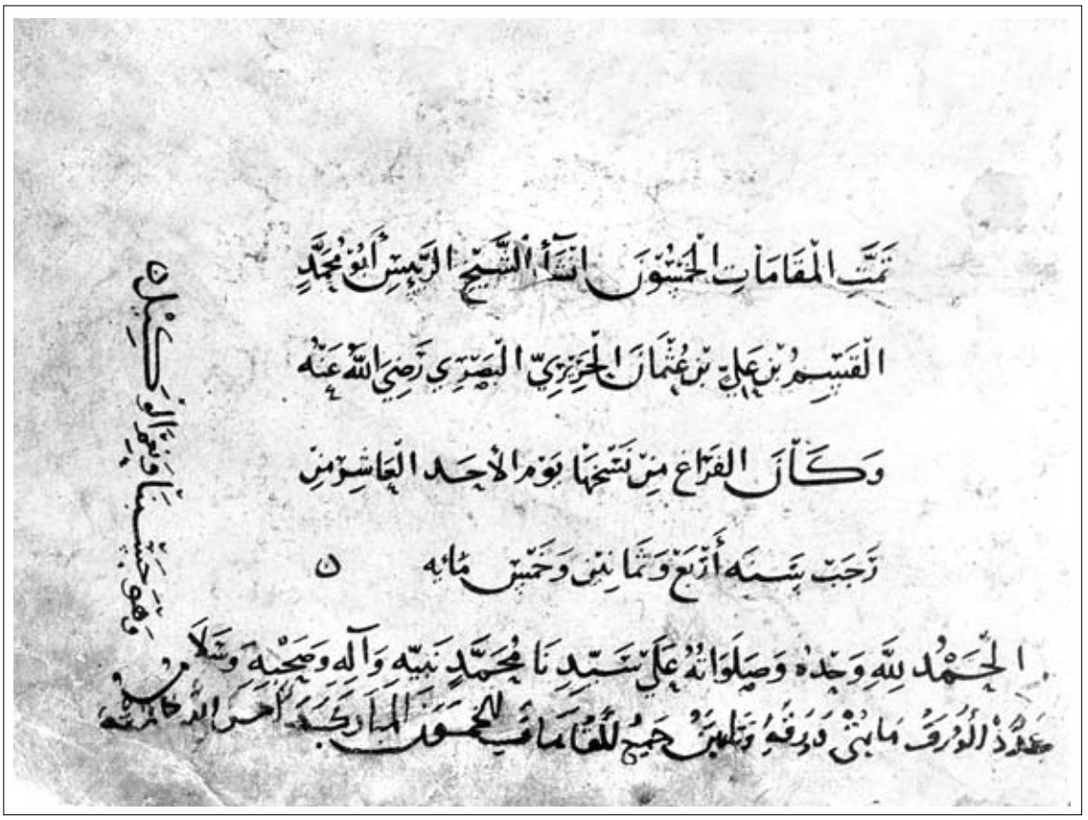

تصویر ۷: انجامهٔ شرقی، مستطیل شکل، ۵۸۴ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 3224 عربی)، گ ۲۳۲.

تصویر ۸: انجامهٔ مثلثی شکل، ۶۳۲ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 6845 عربی)، گ ۱۲۰ پ.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 19

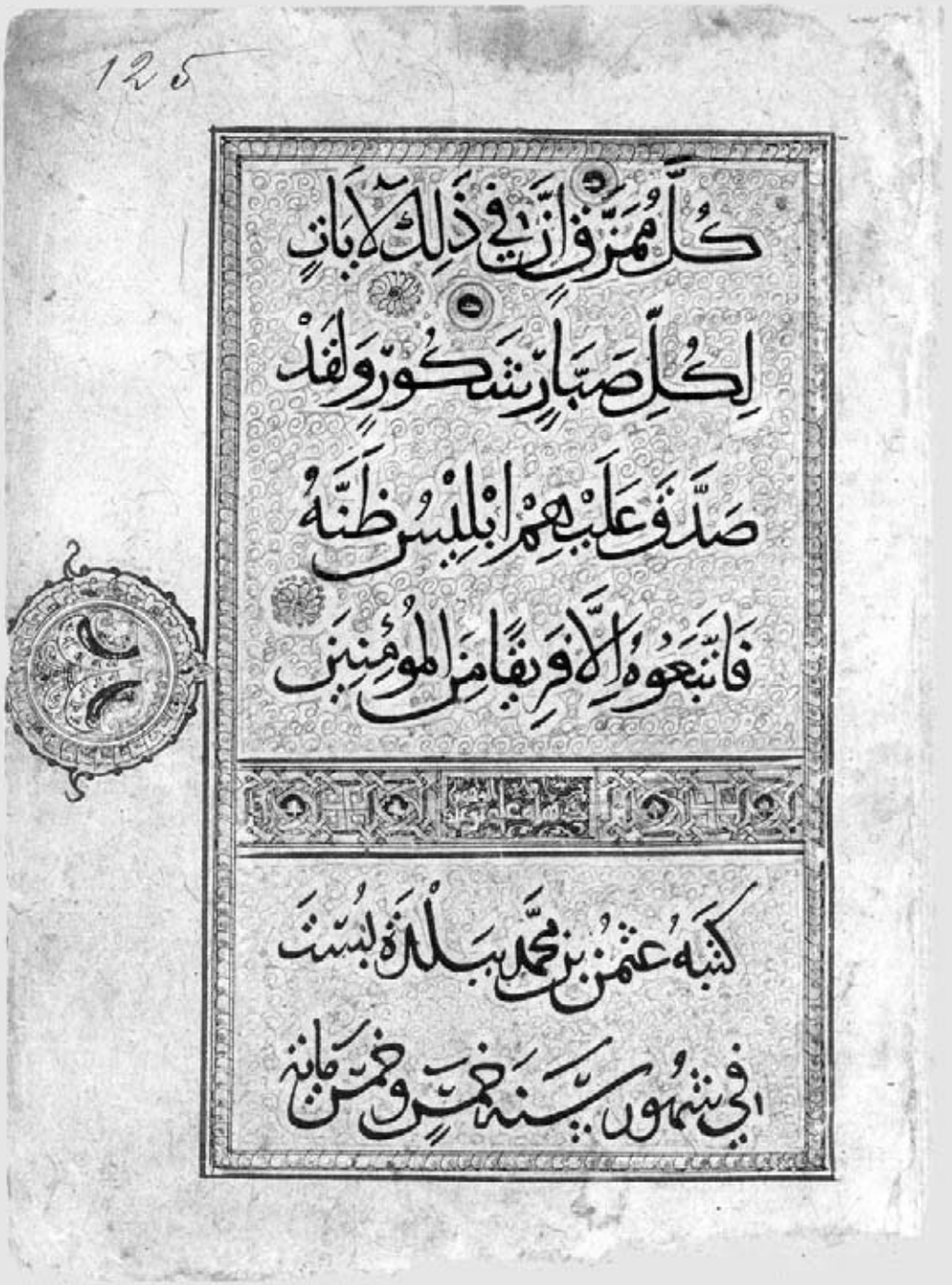

تصویر ۹: انجامهٔ مذهَب، بُست، ۵۰۵ ق (پاریس، کتابخانه ملّی، 6041 عربی)، گ ۱۲۵.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 20

تصویر ۱۰: انجامهٔ تزیین‌شده مسیحی، مصر، ۱۱۵۶ شهدا/۱۴۴۰ میلادی (پاریس، کتابخانه ملّی، 131 عربی)، گ ۷۱پ.

065 - 084 nagsh nahayi.qxp 5/28/2005 2:54 PM Page 21

اصطلاحنامه

[صفحه‌آرایی] آراستن	disposition
آرایه‌ساز	décorateur
اثر سوزن	piqûre
ارتفاع سطر ← بلندای سطر	
بلندای سطر	hauteur de la ligne
[نوشتن] (به صورت) چلیپا	en oblique
[خط] ترکیب‌بندی	composition
تسطیر ← سطراندازی	
تعداد سطر	nombre de ligne
تعلیقات	gloses
ته‌خط افقی	vergeur
جدول	encadrement; cadre
جدول‌کشی	encadrement
جدول نوشته (= مکتوب)	cadre de réglure
حاشیه برش	marge de goutière
حاشیه بیرون	marge extérieur
حاشیه پایین	marge inférieur
حاشیه عطف	marge de fond
حرف تنها	lettre isolée
حرف مفرده ← حرف تنها	
حروف متصل	ligature
حواشی	notes
خط بالای متن	linteau
خط‌کشی کردن	régler
خط ناخن	écriture avec l’ongle
خط ــ نقاشی	calligramme
[خط] دندانهٔ حرف	jambage
[صحافی] دوربُری	rognage
راست آمدن خط ← مستقیم نوشتن	
سر سخن ← سر فصل	

سر فصل	vedette
سطح مکتوب	surface d’écriture
سطر	ligne
سطراندازی	réglure
سطراندازی مختلط	réglure mixte
سطر اوّل	ligne de tête
سطر برجسته	billon
سطر پایین	ligne de pied
سطر راهنما	ligne rectrice
سطر فرورفته	sillon
سنت نسخه‌نویسی	tradition manuscrite
[خط] صعود	hampe
صفحه‌آرایی	mise en page
طرح‌های سطراندازی	schémas de réglure
قلم نوک‌آهنی	pointe sèche
کاغذ زینتی	papier décoré
کرسی اعلیٰ ← کرسی بالا	
کرسی بالا	ligne supérieure
کرسی زیرین	ligne inférieure
کرسی وسط	ligne médiane
[خط] کشیدگی (= مدّ)	élongation
مساحت نوشته	justification
مستطیل فیثاغورس	rectangle de Pythagore
مستطیل نسبت طلایی	rectangle d’or
مستقیم نوشتن	guider l’écriture
مقیاس	module
نقش مسطر	trace de mistara
واحد (اندازه‌گیری)	module
واحد سطراندازی	unité de réglure
هنرور	homme de l’art